

رسانه‌های نوین و تبیین ساختار شبکه‌ای قدرت

شبکه‌سازی قدرت یکی از رویکردهای مورد وثوق در مباحث علوم سیاسی است.

به گزارش سایت خبری پرسون، زهرا نژاد بهرام در یادداشتی نوشت: شبکه‌سازی قدرت یکی از رویکردهای مورد وثوق در مباحث علوم سیاسی است. با تولد رسانه‌های نوین و تسلط شبکه ارتباطی برگرفته از این رسانه‌ها مساله شبکه‌سازی و شبکه ارتباطی و اطلاعاتی جایگاه ویژه‌ای در مطالعات به خود گرفته است.

از این رو ساختار هرم‌گونه قدرت در کنار ساختار شبکه‌ای رسانه‌های نوین به نوعی توافق عمومی دست پیدا کرده‌اند که اگر قرار است «اطلاعات» کالای اصلی برای دستیابی به قدرت باشد! نیازمند برخورداری از شبکه است و اگر شبکه اطلاعات بخواهد به قدرت دست پیدا کند نیازمند شبکه ارتباطی است، لذا نوعی تغییر پارادایم در روابط قدرت حاصل شده که مبتنی بر قدرت ارتباطی مبتنی بر ساختار شبکه‌ای است. در واقع این شبکه است که قدرت‌آفرین است.

لذا به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شبکه ارتباطی که رسانه‌های نوین با اتکا به ظرفیت صفر و یک، بستر تولد و ارتقای آن را فراهم کرده‌اند، نیازمند بازخوانی و تبیین است. در این رویکرد با استفاده از نگاه کاستلز که قدرت در ارتباطات نهفته است، می‌توان فرآیند شبکه محوری قدرت را به ارتباط جمعی و قدرت شبکه‌سازی که نکته کانونی این رویکرد است، متصل کرد. با این نگاه رسانه‌های نوین با تکیه بر فناوری توانسته‌اند بستری برای شبکه‌سازی فراهم کنند. شبکه‌هایی که به صورت افقی قادر است ارتباطات را معنادار کند و در بستر فضای بیرونی یا فضای واقعی به نمایش گذاشته شود.

تعامل شبکه ارتباطی با مفهوم ارتباط و درنهایت قدرت مدلی است که رسانه‌های نوین قادر به ایجاد آن شدند و بهره‌گیری از این ظرفیت در اوایل دهه ۲۰۱۰ میلادی منجر به تحولاتی اجتماعی سیاسی در برخی نقاط جهان شد که یکی از آنها تحت عنوان بهار عربی بود یا جنبش‌هایی اجتماعی نظیر «می تو» یا مخالفت با حمله روسیه به اوکراین... اشکال بیرونی خود را به نمایش گذاشت! این وقایع نسبت به تبیین ساختار شبکه‌ای قدرت در رسانه‌های نوین این مهم را در بر دارد که قدرت بسیج‌کنندگی در کنار ارتباطات افقی به همراه هویت‌بخشی به شبکه و فرد به عنوان گره ارتباطی تصویر قدرت را در جوامع امروزی، با تعاریف تازه‌تری همراه ساخته است. تصویری که قدرت را از قالب هرمی خارج کرده و به نوعی به قالب افقی گره زده است.

در این راستا با توجه به نقش اینترنت و جهان مجازی که زمینه‌ساز مناسبی برای حفظ و تداوم قدرت برتر اطلاعاتی به شمار می‌آید، به نظر می‌رسد این تفوق رسانه که با اتکا بر موقعیت شبکه به دست آمده است، بستری برای همگانی کردن آن ایجاد ساخته است.

این تسلط در عرصه‌های گوناگونی چون تبلیغات در فضای شبکه و محیط مجازی، نمود معین و مشخصی داشته است. از نگاه کاستلز ارتباطات نوین ارتباط جمعی است چراکه می‌تواند بالقوه به مخاطبان در مقیاس جهانی دسترسی پیدا کند. او به ارسال ویدیوها روی سایت یوتیوب، منتشر کردن وبلاگ به وسیله پیوندهای آراس‌اس و فرستادن یک پیام الکترونیکی برای تعداد زیادی اشاره می‌کند. وی این نوع ارتباط را خودارتباط می‌نامد، چراکه تولید پیام‌ها خود-ساخته هستند، برای افراد خاصی فرستاده می‌شوند و از منابع اینترنتی خاصی استفاده می‌کنند. (۱) یعنی حلقه پیوند پیام، فرد، گیرنده «شبکه» است.

با این تعریف اطلاعات نیازمند بستر انتشار و ارتباطات است که این مهم را فراهم می‌کند و شبکه نیز ساختار لازم را برای این مهم ایجاد می‌کند. در این میان رسانه‌های نوین با ایجاد ظرفیت شبکه‌سازی در بستر نشر اطلاعات دو اثر مهم را در روابط قدرت شبکه‌ای برجای گذاشتند؛ نخست آنکه ساختار هرمی قدرت را تعدیل کردند و دوم آنکه شبکه را به کانون قدرت مبدل کردند. در همین راستا رسانه‌های نوین با اتکا به مخاطب محوری و شبکه ارتباطی جایگاه راس را از «هرم قدرت» افول یافته کردند و قدرت را در میان شبکه به اشتراک گذاشتند و فضای قدرت‌ساز را شبکه‌ای کردند.

این مهم نکته خاص دیگری را نیز در بر دارد و آن دموکراتیک‌سازی قدرت است، وقتی ساختار شبکه‌ای قدرت شکل می‌گیرد و رویکرد هرمی آن به افقی تغییر شکل می‌دهد، بستری از مردم‌گرایی یا به عبارتی دموکراتیک‌سازی در فضای قدرت ایجاد می‌شود که رسانه‌های نوین آن را ایجاد کرده‌اند.

هویت مدیریت گریزی شبکه‌های مجازی در رسانه‌های نوین در تبیین این مهم نقش موثری را ایفا می‌کند. در این خصوص می‌توان به کارکرد شبکه‌های ارتباطی در رسانه‌های نوین علاوه بر موارد ذکر شده در جنبش سیاهپوستان پس از قتل جرج فلوید تحت عنوان «می‌خواهم نفس بکشم» بستری از قدرت‌نمایی در برابر هرم قدرت را ایجاد کرد که منجر به حصول نتیجه شد.

یادآور می‌شود مفهوم قدرت در این شبکه‌ها عام است و از نشر اطلاعات و انحصاری کردن آن جلوگیری کرده است و این یعنی اینکه همه می‌توانند از آن برخوردار شوند حتی گروه‌ها و اندیشه‌هایی که با اصول زیست مشترک بشری و حقوق بشر به نوعی در تعارض هستند! نمونه این مهم گروه تروریستی موسوم به حکومت اسلامی تحت عنوان داعش است که با استفاده از این ظرفیت دوره‌ای از وحشت و قتل را در جهان به نمایش گذاشت.

از این رو کارکرد شبکه‌های قدرت شمشیری دو لبه است، ضمن ایجاد فرصت‌های دموکراتیک‌سازی قدرت و انتقال قدرت به مردم می‌تواند بستری برای رشد برخی ناهنجاری‌ها نیز بشود، اما تحلیل ساختار قدرت در رسانه‌های نوین این فرصت را می‌دهد که با نگاهی دقیق‌تر، خواناتر، اثرگذارتر و کم‌خطرتر با این رسانه و فضاهایی که در اختیار دارد ارتباط برقرار کنیم و فرصت‌های ایجاد شده را ارتقا و نقاط نگران‌کننده را کاهش دهیم.

منبع: روزنامه اعتماد